



Comparative Study of the Evolution of Criminal Liability in the Penal Code of Iran and Afghanistan (with Emphasis the Expansion and Restrictions of the Age of Criminal Liability)

Abdulkhaliq Haqani¹ , **Mehdi Sabooripour**² , **Ali Reza Mirkamali**³

1. Corresponding author, PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Professor at Jami University, Harat, Afghanistan. Email: abdulkhaliq.herawi@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m-sabooripuor@sbu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: a_mirkamali@sbu.ac.ir

Article Info

Article type:

Original research

Received: 2 August 2024

Received in revised form: 27 December 2024

Accepted: 8 January 2025

Available online: 12 January 2025

Keywords

penal code of Iran, penal code of Afghanistan, diminished criminal liability, immediate criminal liability, gradual criminal liability



Abstract

The rules governing criminal liability in the legal systems of Iran and Afghanistan have experienced numerous fluctuations and transformations. The purpose of this research is to elucidate the stages of the evolution of criminal liability in the penal code of Iran and Afghanistan and to provide an answer to the question what stages criminal responsibility, particularly the age of criminal liability for children, has undergone in the criminal law of Iran and Afghanistan and what the points of divergence and convergence between them are. The findings show that the most important components and instances of the evolution of criminal liability in the penal code of both countries are the transition to a gradual age of criminal liability, the equalization of the age of criminal liability for both girls and boys between 9 and 15 years, and the acceptance of diminished criminal responsibility in hudud (fixed sharia punishments) and ta'zir (discretionary punishments) crimes. The research data has been collected through library studies and analyzed applying the analytical-descriptive method.

Cite this article: Haqani, A.; Sabooripour, M. & Mirkamali, A.R. (2024). Comparative Study of the Evolution of Criminal Liability in the Penal Code of Iran and Afghanistan (with Emphasis the Expansion and Restrictions of the Age of Criminal Liability). *Criminal Law Doctrines*, 21(27), 153-172. <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6014.1988>





مطالعه تطبیقی تحولات مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و افغانستان

(با تأکید بر قبض و بسط‌های سن مسئولیت کیفری)

✉ عبدالخالق حقانی^۱، مهدی صبوری پور^۲، علیرضا میرکمالی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.؛ استاد دانشگاه جامی، هرات، افغانستان. رایانامه: abdulkhaliq.herawi@gmail.com
۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: m-sabooripuor@sbu.ac.ir
۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: mirkamali@sbu.ac.ir

چکیده

قواعد حاکم بر مسئولیت کیفری در نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان فراز و نشیب‌های متعددی داشته است. هدف پژوهش حاضر تبیین مراحل تحول مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و افغانستان و ارائه پاسخ به این مسئله است که مسئولیت کیفری، به‌ویژه سن مسئولیت کیفری کودکان، چه مرحله‌ای را در حقوق کیفری ایران و افغانستان طی نموده و نقاط افتراق و اشتراک آن‌ها کدام‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مصادیق تحولات مسئولیت کیفری در حقوق کیفری دو کشور، گذار به سن مسئولیت کیفری تدریجی، تساوی سن مسئولیت کیفری دختران و پسران ۹ تا ۱۵ سال و پذیرش مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم حدی و تعزیری است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، جمع‌آوری شده و بر اساس روش تحلیلی - توصیفی، بررسی گردیده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

کلیدواژه‌ها

حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری افغانستان، مسئولیت کیفری نقصان یافته، مسئولیت کیفری دفعی، مسئولیت کیفری تدریجی.

استناد: حقانی، عبدالخالق؛ صبوری پور، مهدی؛ میرکمالی، علیرضا. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی تحولات مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و افغانستان (با تأکید بر قبض و بسط‌های سن مسئولیت کیفری). *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۲۱(۲۷)، ۱۵۳-۱۷۲.

<https://doi.org/10.30513/cld.2025.6014.1988>



مقدمه

منظور از مسئولیت، پاسخ‌گو بودن فرد در قبال رفتارهای ارادی اش است. به یک لحاظ، مسئولیت را می‌توان به دو دسته مسئولیت اخلاقی و حقوقی تقسیم کرد. در مسئولیت اخلاقی، ضمانت اجراهای بیرونی و حقوقی وجود ندارد، درحالی‌که مسئولیت حقوقی متضمن ضمانت اجراهای مدنی، انضباطی و کیفری است (نبوی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۶؛ شاملو؛ حسینی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۶). مسئولیت کیفری نیز به مفهوم پاسخ‌گو بودن فرد در قبال رفتار مجرمانه اش است (بازوند؛ نورمحمدی، ۱۴۰۰، ص ۵۷؛ نظری؛ میرزاجانی؛ احمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۶۳). برخی بر این باورند که مسئولیت کیفری زمانی تحقق پیدا می‌کند که دو جزء مجرمیت و قابلیت اسناد جرم به مرتکب وجود داشته باشد، بدین صورت که مسئولیت کیفری مستلزم وقوع رفتار مادی مجرمانه مندرج در مقررات کیفری، از جانب شخص خاصی است که شرایط اسناد جرم به او نیز فراهم باشد (جعفری، ۱۴۰۱، ص ۴۸). این مسئولیت بر اساس ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جوامع مختلف، متفاوت است.

مطالعه تطبیقی تحولات مسئولیت کیفری در جوامع باستانی و مدرن، بیانگر آن است که به تناسب دگرگونی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، حوزه و گستره آن دچار دگرگونی‌های اساسی شده است، زیرا مسئولیت کیفری تا حدود زیادی ریشه در تلقی انسان از جرم، مجازات، اهداف مجازات و ماهیت انسان دارد. در گذشته، مسئولیت کیفری دامنه گسترده‌ای داشت، به‌گونه‌ای که شامل کودکان، مجانین و حیوانات نیز می‌شد، اما با گذشت زمان و تحول در مبانی نظری مسئولیت کیفری، دامنه آن محدود گردید و امروزه تنها کسانی دارای مسئولیت کیفری‌اند که قادر به درک و تمیز نتایج رفتار ارادی خود باشند (وطن‌یار؛ واعظی، ۱۴۰۱، ص ۴۷).

بررسی تاریخ تحولات حقوق کیفری ایران و افغانستان نیز بیانگر آن است که به تناسب تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، مسئولیت کیفری و مؤلفه‌ها و شرایط آن مسیر پرفراز و نشیبی را طی نموده است. این تحولات از ابعاد مختلف حقوقی، جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی و فلسفی قابل طرح و بررسی است. پژوهش حاضر سعی می‌کند با رویکرد حقوقی و مبتنی بر اسناد تاریخی، قوانین و نظام‌نامه‌های کشور ایران و افغانستان، به این مسئله پاسخ دهد که مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و افغانستان چه تحولات و دگرگونی‌هایی را

پشت سر گذاشته است؟ نقاط اشتراک و افتراق حقوق کیفری ایران و افغانستان در خصوص تحولات مسئولیت کیفری چیست؟

به نظر می‌رسد تحولات سن مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و افغانستان ناشی از عوامل متعددی مانند تغییرات در نظام حقوقی، تأثیرپذیری از مبانی دینی، تحولات اجتماعی و فرهنگی، و حتی تعامل با اصول پذیرفته شده بین‌المللی در زمینه حقوق کودک و نوجوان باشد. این فرایند نشان‌دهنده تکامل تاریخی و دگرگونی رویکردهای حقوقی نسبت به مسئولیت کیفری است که در بازه‌های زمانی مختلف به تناسب مقتضیات جامعه و نظام حقوقی، ابعاد و معیارهای جدیدی پیدا کرده است. همچنین به نظر می‌رسد گذار از سن مسئولیت کیفری دفعی به مسئولیت تدریجی، تساوی سن مسئولیت کیفری بین دختران و پسران در جرائم تعزیری، پذیرش صریح مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم تعزیری توسط قانون‌گذاران ایران و افغانستان و پذیرش ضمنی آن در جرائم حدی توسط قانون‌گذار ایران، از مهم‌ترین تحولات مسئولیت کیفری باشد.

اهمیت پرداختن به این مسئله ناشی از آن است که مفهوم، ماهیت و دامنه مسئولیت کیفری، رابطه مستقیم با تلقی انسان از جرم، مجرم و نحوه پاسخ به جرم دارد. بنابراین، در این پژوهش نه تنها محدودیت، بلکه گاهی توسعه و گسترش دامنه مسئولیت کیفری نیز مورد نظر است. از سوی دیگر، تبیین این مسئله می‌تواند در اصلاح و بازنگری قوانین کیفری، به ویژه در افغانستان کمک کند، زیرا طی نیم قرن اخیر، تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمینه را برای استقرار نظام حقوقی فراهم ساخته است که همزمان متأثر از ارزش‌های اسلامی و حقوق بشری است. ضمن این‌که تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به مبانی و شرایط مسئولیت کیفری می‌تواند منجر به تقویت سیاست جنایی افتراقی نسبت به گروه‌های خاص از قبیل کودکان، مجانین، بیماران ام‌اس و افراد بی‌هوش، مست و خواب‌گردد.

مطالعات اجمالی پیشینه تحقیق بیانگر آن است که در خصوص مسئولیت کیفری و تحولات آن، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است. عمده این پژوهش‌ها در حقوق غرب و مبتنی بر اندیشه‌های فلسفی انجام شده است. اما در خصوص تحولات مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران و افغانستان، به ویژه به صورت تطبیقی، پژوهش مستقلی تاکنون انجام نشده است یا حداقل نویسندگان این مقاله بدان دسترسی نداشته‌اند. غالب پژوهش‌های محدودی که در

حقوق کیفری ایران و افغانستان در خصوص مسئولیت کیفری انجام شده نیز بیشتر به مباحث مربوط به شرایط و موانع مسئولیت کیفری پرداخته‌اند، بی‌آن‌که اشاره‌ای به تحولات مسئولیت کیفری کرده باشند.^۱ بنابراین، پژوهش حاضر علاوه بر اهمیت نظری، به لحاظ کاربردی و جدید بودن موضوع آن نیز حائز اهمیت است.

داده‌های پژوهش حاضر از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع و اسناد تاریخی، لوایح، مقررات، نظام‌نامه‌ها، قوانین و اصولنامه‌های کیفری گردآوری شده و با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به فرازوفرودهای مسئولیت کیفری که مهم‌ترین بخش آن، سن مسئولیت کیفری است، ابتدا گذار به مسئولیت کیفری تدریجی، سپس تساوی سن مسئولیت کیفری بین دختران و پسران و مسئولیت کیفری نقصان‌یافته را بررسی می‌کنیم. اما قبل از آن باید دید ملاک و معیار سن بلوغ یا رشد از منظر فقه و اسناد بین‌المللی چیست.

۱. معیار مسئولیت کیفری در فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی

رویکرد فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی در خصوص مبانی، اصول و معیارهای مسئولیت کیفری، متفاوت است. در فقه اسلامی، سن بلوغ که بر اساس نشانه‌های جسمی و علائم طبیعی مشخص می‌شود به عنوان آغاز تکلیف دینی و قابلیت تحمل مسئولیت یاد شده است. در مقابل، اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، معیارهای مبتنی بر رشد روانی، اجتماعی و سن تقویمی را برای تعیین سن مسئولیت کیفری ارائه می‌دهند. این تفاوت‌ها بیانگر اختلاف در نگاه فرهنگی، حقوقی و فلسفی به مفهوم بلوغ و رشد است. با توجه به اینکه تعیین معیار سن بلوغ و رشد در تعیین مسئولیت کیفری کودکان نقش و تأثیر دارد، لذا تبیین رویکرد فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی در این زمینه حائز اهمیت است.

۱-۱. معیار مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی

معیار سن مسئولیت کیفری در اسناد بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون‌ها و مقاله‌نامه‌های مرتبط، از منظر حقوقی بر مبنای سن تقویمی و ویژگی‌های اجتماعی تعریف می‌شود. کنوانسیون حقوق

۱. نک: (الهامی؛ یوسفلو؛ شفیع‌زاده، ۱۴۰۰؛ امیریان فارسانی، ۱۴۰۲؛ نجفی؛ یحیی‌پور، ۱۳۹۷؛ گنجی، ۱۳۹۹؛ فلاح خاریکی؛ حسن حاجی‌تبار فیروزجانی، ۱۴۰۲؛ مهرا؛ نوروژی، ۱۳۹۸؛ حسنی، ۱۴۰۰؛ حسنی؛ افراسیابی، ۱۳۹۹).

کودک سازمان ملل متحد، ۱۸ سالگی را پایان دوره کودکی تعیین نموده است. این معیار برای دختران و پسران یکسان است و به عنوان استاندارد جهانی در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است (امیریان فارسانی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۹). با این حال، کنوانسیون امکان تعیین سن مسئولیت کیفری کمتر از ۱۸ سال را نیز فراهم کرده و این مسئله را به قوانین داخلی کشورها سپرده است (پیوندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳). در واقع، سن ۱۸ سال قاعده‌ای کلی است، اما الزام‌آور مطلق نیست. در این کنوانسیون و سایر اسناد بین‌المللی، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی و دینی مانند فقه اسلامی، میان مفاهیم بلوغ و رشد تفکیک روشنی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد این رویکرد، نتیجه فرهنگ حقوقی غرب است که به جای توجه به بلوغ جسمی یا جنسی، به سن رشد و توانایی‌های روانی - اجتماعی تکیه دارد (عباسی سرمدی؛ زنگی اهرمی، ۱۳۹۴، ص ۲۴). همچنین، در ماده ۱ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی مصوب ۱۹۶۲ و ماده اول مقاله‌نامه بدترین اشکال کار کودکان مصوب ۱۹۹۹ نیز سن ۱۸ سالگی به عنوان پایان دوران کودکی در نظر گرفته شده است.

بنابراین در اسناد بین‌المللی، معیار سن مسئولیت کیفری ۱۸ سالگی است که بدون تفکیک میان سن بلوغ و رشد تعیین شده است. این معیار توسط اکثر نظام‌های حقوقی داخلی نیز پذیرفته شده است. اما عدم تفکیک میان سن بلوغ و رشد در اسناد بین‌المللی، برای برخی از نظام‌های حقوقی، به ویژه در کشورهای اسلامی، تبدیل به چالش شده است، زیرا مطابق فقه اسلامی، بلوغ و رشد تعاریف متفاوتی دارند.

۲-۱. معیار مسئولیت کیفری در فقه اسلامی

در فقه اسلامی مسئولیت کیفری را مبتنی بر بلوغ و رشد شرعی می‌دانند. تحقق بلوغ شرعی و رشد از موضوعات مورد اختلاف میان فقهاست. مشهور فقهای امامیه بلوغ شرعی را امری طبیعی و ملاک آغاز تکالیف شرعی و مسئولیت کیفری می‌دانند. بر اساس این دیدگاه، بلوغ با ظهور علائم جسمی نظیر رشد جنسی تشخیص داده می‌شود و در صورت فقدان این علائم، اتمام ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران به عنوان معیار تعیین شده است (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۶۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۸۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۳؛ سبزواری، بی‌تا، ص ۴۱۹). به عقیده فقهای امامیه، مسئولیت و تکلیف شرعی، وابسته به این سن خاص نبوده و بر اساس ظهور نشانه‌های بلوغ تعیین می‌شود (موسوی غروی، ۱۳۷۳، ص ۵۸۳؛

ساریخانی؛ عطازاده، ۱۳۹۲، ص ۲). همچنین از اقوال و فتاوی این گروه از فقها برمی آید که میان سن مسئولیت کیفری و سن تکلیف شرعی تفاوتی قائل نشده‌اند. بر این اساس، دختران پس از اتمام ۹ سال قمری و پسران پس از اتمام ۱۵ سال قمری واجد شرایط مسئولیت کیفری تلقی شده و در صورت ارتکاب جرم، قابل مجازات‌اند. اما کودکان کمتر از نه سال در صورتی که دارای قوه تمیز باشند، صرفاً تأدیب می‌شوند و در این خصوص تفاوتی میان دختران و پسران وجود ندارد.

اما فقهای شافعی، حنبلی و بسیاری از فقهای حنفی بر این باورند که بلوغ شرعی بر اساس تکمیل سن خاص تعیین می‌شود و علائم طبیعی، ملاک اصلی بلوغ نیست. این فقها عموماً تفاوتی میان سن بلوغ دختران و پسران قائل نمی‌شوند. با این حال، در خصوص تعیین دقیق این سن، میان فقهای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. فقهای شافعی و حنبلی معتقدند که سن بلوغ دختران و پسران به ترتیب از ۹ سالگی و ۱۰ سالگی آغاز می‌شود و با تکمیل ۱۵ سالگی کامل می‌شود (ابن قدامه، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲؛ عمرانی، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۲۱۹). مشهور فقهای مالکی، ۱۸ سالگی را معیار بلوغ دختران و پسران می‌دانند (ثعلبی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۶۸؛ علیش، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۸۷) که امروزه در بسیاری از نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی به عنوان سن مسئولیت کیفری پذیرفته شده است. با وجود این، برخی از فقهای مالکی و ابوحنیفه بین دختران و پسران تفاوت قائل شده و بلوغ دختران را ۱۷ سال و پسران را ۱۷ یا ۱۸ سال در نظر گرفته‌اند. در دیدگاهی دیگر، حداقل سن مسئولیت کیفری ۹ یا ۱۲ سال و پایان آن ۱۷ یا ۱۸ سال تعیین شده است، به طوری که اصطلاح «مراهق» برای افراد بین ۹ تا ۱۲ سال به کار می‌رود (رخشانی‌فر؛ دلاور؛ سالارزایی، ۱۳۹۸، ص ۹۲۸).

در میان فقهای حنفی، دیدگاه رایج مبتنی بر تفکیک میان سن مسئولیت کیفری دختران و پسران است. با این حال، امام محمد و ابویوسف معتقدند که میان دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد و هر دو گروه با اتمام ۱۵ سالگی به سن بلوغ می‌رسند (سغدی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۳؛ مرغینانی، بی تا، ج ۳، ص ۲۸). این تفاوت دیدگاه‌ها بیانگر تنوع در رویکردهای فقهی اهل سنت نسبت به معیارهای بلوغ و مسئولیت کیفری است.

بنابراین، بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد که فقهای مسلمان با استناد به منابع حدیثی، تلاش کرده‌اند شاخص زمانی معینی برای اثبات بلوغ ارائه دهند. با این حال، به دلیل تنوع محتوایی و مضمونی روایات مرتبط با این موضوع، تعیین زمان دقیق و همگانی برای تحقق بلوغ، که مبنای مسئولیت شرعی و اجتماعی فرد در برابر خداوند و جامعه باشد، عملاً امکان‌پذیر نبوده

است. این امر ناشی از وجود اختلافات در روایات‌ها و برداشت‌های متفاوت از آن‌هاست که نشان‌دهنده تأثیرپذیری مفهوم بلوغ از شرایط فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی جوامع است (نظری توکلی؛ مصلح، ۱۳۹۷، ص ۱۷۶). در نتیجه، اعلام یک سن ثابت برای بلوغ، نیازمند تفسیر دقیق‌تر و جامع‌تر روایات و همچنین توجه به شرایط متغیر اجتماعی و زیستی در تحلیل‌های فقهی است. با استناد به اصل «عدم تعارض» و تطابق میان مراد استعمالی و مراد جدی شارع، می‌توان به جای برداشت تعارض‌آمیز از مضمون روایاتی که سنین مختلف را برای تحقق بلوغ بیان می‌کنند، این روایات را به‌عنوان بازتاب‌دهنده شرایط و حالت‌های گوناگون تحقق بلوغ تفسیر نمود. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که بلوغ، مفهوم انعطاف‌پذیر و شناوری است که وقوع آن بسته به متغیرهایی نظیر شرایط اقلیمی، ویژگی‌های خانوادگی و عوامل اجتماعی، برای دختران و پسران متفاوت است. این دیدگاه نه تنها به فهم عمیق‌تر از تعالیم فقهی کمک می‌کند، بلکه امکان تطبیق و انطباق این مفاهیم با واقعیت‌های مختلف فرهنگی و زیستی جوامع را نیز فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز برداشت جامع‌تری از مفهوم بلوغ در حقوق اسلامی شود و به توسعه چهارچوب‌های انعطاف‌پذیر برای تعیین مسئولیت شرعی و قانونی افراد در شرایط متغیر کمک نماید.

۲. تحولات مسئولیت کیفری کودکان در حقوق کیفری ایران و افغانستان

حقوق کیفری ایران و افغانستان با تأثیرپذیری از آموزه‌های فقهی و اسناد بین‌المللی، در تعیین سن مسئولیت کیفری کودکان دچار تحولات متعددی شده‌اند. این تحولات تلاش برای ایجاد توازن میان اصول عدالت کیفری و ملاحظات حمایتی از کودکان را نشان می‌دهد. بررسی تطبیقی این دو نظام حقوقی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت، چالش‌ها و امکان همگرایی در این حوزه کمک کند. در این قسمت می‌کوشیم تا با تحلیل تغییرات قانونی و رویکردهای موجود، تحولات و دگرگونی‌های سن مسئولیت کیفری کودکان را از منظر حقوق کیفری ایران و افغانستان بررسی کنیم.

۱-۲. گذار از مسئولیت دفعی به مسئولیت تدریجی

منظور از سن مسئولیت کیفری تدریجی، پذیرش فاصله بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری است که معمولاً با رشد کیفری همراه است (صدری و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۲۲۰؛ حیدری، ۱۳۹۵، ص ۹۷). پیش از دوران مدرن، در حقوق کیفری ایران و افغانستان، سن بلوغ شرعی به‌عنوان معیار

مسئولیت کیفری تلقی می‌شد. بر اساس این معیار، در حقوق کیفری ایران دختران با تکمیل نه سال قمری و پسران با تکمیل پانزده سال قمری و در حقوق کیفری افغانستان دختران با تکمیل ۱۷ سال و پسران با تکمیل ۱۸ سال شمسی، به صورت دفعی مسئولیت کیفری کسب کرده و قابل مجازات تلقی می‌شدند. ولی این رویکرد با توجه به حالات و مراحل مختلف رشد کودک و نوجوان، مورد نقد قرار گرفت. لذا با گسترش نظام‌های حقوقی عرفی به جای نظام کیفری فقهی، زمینه برای گذار به مسئولیت کیفری تدریجی در ایران و افغانستان نیز فراهم شد.

در ایران، اولین بار مسئولیت کیفری تدریجی در قانون ۱۳۰۴ مورد پذیرش قرار گرفت. مطابق ماده ۳۴ این قانون، سن ۱۲ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین شده بود که در آن زمان، تحول مهمی در حقوق کیفری قلمداد می‌شد (میرمحمدصادقی؛ محمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۳). اما در قانون تشکیل دادگاه اطفال ۱۳۳۸، این سن به ۶ سال کاهش یافت، ولی تا سال ۱۳۴۵ اجرایی نشد. این تغییر نشانگر نوعی عقبگرد در حقوق کیفری ایران از نظر سن مسئولیت کیفری بود. بعدها با تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، سن ۱۸ سال شمسی به عنوان معیار مسئولیت کیفری کامل تعیین شد و به این ترتیب، عملاً معیار بلوغ شرعی کنار گذاشته شد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۸۶-۸۷؛ محقق هرچقان، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بار دیگر سن بلوغ شرعی جایگزین سن مسئولیت کیفری گردید. ماده ۲۶ ق.ا.م.مصوب ۱۳۶۱ در این خصوص چنین آورده بود: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضا قانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد».

در تبصره ۱ همین ماده نیز در مورد تعریف طفل تصریح شده بود که: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد».

بر اساس این تبصره و با استناد به احکام فقه امامیه، سن بلوغ دختران با اتمام نه سال قمری و سن بلوغ پسران با اتمام پانزده سال قمری تعیین می‌شود (مهرپور محمدآبادی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۴۶). همچنین مطابق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، اطفال با رسیدن به سن بلوغ، واجد مسئولیت کیفری شناخته می‌شدند. به این ترتیب، دختران با اتمام نه سال قمری و پسران با اتمام پانزده سال قمری به طور دفعی وارد قلمرو مسئولیت کیفری می‌شدند و تفاوتی میان سن مسئولیت کیفری و سن تکلیف شرعی وجود نداشت (شاملو، ۱۳۹۰، ص ۸۴؛ نجفی؛ یحیی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۲۹۸).

برخی رویکرد یکسان‌انگاری بلوغ شرعی و مسئولیت کیفری را مورد انتقاد قرار داده و بر این باورند که این یکسان‌انگاری، با واقعیت‌های اجتماعی مطابقت نداشته و مخالف رویکرد سن مسئولیت کیفری تدریجی است. لذا از نظر جرم‌شناختی قابل نقد است (مؤذن‌زادگان؛ چنگایی؛ رهدارپور، ۱۳۹۵، ص ۳۷). در حالی که یکی از اهداف گذار به معیار سن مسئولیت کیفری تدریجی، در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی و نیز رابطه واکنش کیفری با میزان رشد و تکامل عقلی افراد و عدم معقولیت سن مسئولیت کیفری دفعی مطرح شده است (هادی‌پور؛ قاسمی؛ نصرتی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۸۱؛ طهماسبی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۱).

با این حال، ملاحظه یک حد فاصل بین سن بلوغ شرعی و سن مسئولیت کیفری مسئله‌ای است که در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی تأکید شده است (حیدری، ۱۳۹۵، ص ۹۴). این امر موجب شد که قانون‌گذار ایران در مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ سن مسئولیت کیفری تدریجی را در خصوص جرائم تعزیری به رسمیت بشناسد و کودکی و نوجوانی را به چهار دوره تقسیم نماید: از تولد تا ۹ سالگی، از ۹ سالگی تا ۱۲ سالگی، از ۱۲ سالگی تا ۱۵ سالگی و از ۱۵ سالگی تا ۱۸ سالگی. براینکه و نتیجه این رویکرد علاوه بر پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی، از یک سو، بالا بردن سن کودکی از ۱۵ سالگی به ۱۸ سالگی است، از سوی دیگر، برای کودکان ۹ تا ۱۵ سال بیشتر بحث اصلاح و تربیت اطفال با تأکید بر مسئولیت والدین مطرح شده و برای کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال، مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی پیش‌بینی شده است (نظری توکلی؛ مصلح، ۱۳۹۷، ص ۱۸۱)؛ رویکردی که براینکه آن پذیرش سیاست کیفری افتراقی در خصوص اطفال و کودکان بود (حسنی؛ افراسیابی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۴؛ تدین، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷). اما در جرائم حدی، مسئولیت تدریجی تاکنون به صورت روشن در حقوق کیفری ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است و در این مورد هنوز هم سن مسئولیت کیفری مطلق حاکم است (نقی‌زاده باقی؛ آشوری؛ مهرا؛ شاملو، ۱۴۰۱، ص ۴۸).

در حقوق کیفری افغانستان، گذار به مسئولیت کیفری تدریجی مسیر مشابه با حقوق ایران را پیموده است. قبل از تصویب قوانین عرفی، قانون‌گذار افغانستان در ماده ۲۳ قانون جزای عمومی ۱۳۰۲ش با توجه به فقه حنفی، سن دفعی مسئولیت کیفری را برای دختر و پسر به ترتیب سیزده و پانزده سال قمری تعیین کرده بود.^۲

۲. ماده ۲۳ نظام‌نامه جزای عمومی ۱۳۰۲: «در اثنای وقوع جرم کسانی که سن سیزده سالگی پوره (تکمیل) نکرده باشند، از قوه ممیزه محروم دانسته می‌شوند و از جرمی که کرده باشند مسئول شناخته نمی‌شوند...».

در قوانین جدید، قانون‌گذار افغانستان دو مرحله مسئولیت کیفری تدریجی را در ماده ۷۲ قانون جزای عمومی ۱۳۵۵ ش که نسخ ماده ۲۳ قانون ۱۳۰۲ ش محسوب می‌شود، پیش‌بینی نموده بود: صغیر و مراهق. «صغیر» به طفل بین ۷ تا ۱۲ سال و «مراهق» بین ۱۳ تا ۱۸ سال اطلاق می‌شد (علامه، ۱۳۹۶، ص ۱۹۵). ماده ۷۲ این قانون بیان می‌کرد که طفلی که کمتر از ۷ سال سن داشته باشد، به صورت مطلق مسئولیت کیفری ندارد و پس از آن، مسئولیت کیفری خفیفی متوجه او می‌شود. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال ۱۳۸۳ ش افغانستان که نسبت به قانون ۱۳۵۵ قانون مؤخر و خاص است، افراد زیر هجده سال را طفل محسوب نموده و به سه گروه سنی مختلف تقسیم کرده است: طفل غیرممیز، ممیز و نوجوان.^۳ مطابق ماده ۵ این قانون، «شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم مسئولیت جزایی به او راجع نمی‌شود». در واقع، بر اساس این قانون، سن مسئولیت کیفری در نظام حقوقی افغانستان تکمیل ۱۲ سال تعیین شده است. این قانون پس از تعدیلات مختلف، در نهایت به عنوان بخشی از کد جزای ۱۳۹۶ ش قرار گرفت و در ماده ۹۵ آن تکمیل ۱۲ سالگی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مورد پذیرش قرار گرفت: «طفلی که سن ۱۲ سالگی را تکمیل نکرده باشد، مسئولیت جزایی نداشته و دعوی جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود».

مطابق ماده ۹۷ همین قانون، طفلی که بین ۱۲ تا ۱۶ سال داشته باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ربع حداکثر مجازات بزرگسالان محکوم نمی‌شود و طفلی که بین ۱۶ تا ۱۸ سال سن داشته باشد، به بیش از ثلث حداکثر مجازات پیش‌بینی شده برای بزرگسالان محکوم نمی‌گردد.

به این ترتیب، قانون‌گذار افغانستان نیز مسئولیت کیفری تدریجی را در کد جزا که قانون مؤخر محسوب می‌شود، پذیرفته بود. اما با حاکمیت مجدد طالبان و ملغی شدن تمام قوانین کیفری سابق، احکام فقه حنفی جایگزین قوانین وضعی شده است. لذا در شرایط فعلی،

۳. ماده ۷۰ قانون جزای عمومی ۱۳۵۵ ش افغانستان: «صغیر به طفلی اطلاق می‌گردد که بین سن هفت و سیزده سالگی کامل قرار داشته باشد».

ماده ۷۱ قانون جزای عمومی ۱۳۵۵ ش افغانستان: «مراهق به شخصی اطلاق می‌گردد که سن سیزده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد».

۴. ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ۱. طفل: شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد؛ ۲. طفل غیرممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد؛ ۳. طفل ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد؛ ۴. طفل نوجوان: شخصی است که سن دوازده سالگی را تکمیل، اما هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد».

مسئولیت کیفری تدریجی^۵ در محاکم افغانستان رعایت نمی شود، بلکه دختران با تکمیل ۹ سال و پسران با تکمیل ۱۵ سال وارد مسئولیت کیفری دفعی می گردند.

۲-۲. گذار از معیار سنی دوگانه به تساوی سن مسئولیت کیفری

قانونگذار ایران در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱، سن مسئولیت کیفری را سن بلوغ شرعی تعیین نموده بود. براینکه و نتیجه تعیین سن بلوغ شرعی به عنوان معیار مسئولیت کیفری، اتخاذ معیار دوگانه و مبتنی بر تفکیک جنسیتی بین دختران و پسران بود، درحالی که چنین رویکردی در مخالفت صریح با اسناد بین المللی قرار داشته و به نظر برخی از حقوق دانان فاقد توجیه عقلایی بوده و غیر قابل پذیرش است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۲، ص ۲۸۶؛ کلانتری؛ غفاری جراتی؛ رادمان، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰؛ فلاح خاریکی؛ حاجی تبار فیروزجائی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۸؛ زراعت، ۱۳۹۴، ص ۱۶۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۹۸)، زیرا یافته های جرم شناسی و روان شناختی نشان داده است که سن رشد دختران و پسران تقریباً یکسان است. لذا دلیلی ندارد که تفاوت جنسیتی از این حیث، وجود داشته باشد (ابوذری، ۱۳۹۸، ص ۳۵؛ شیرازی؛ شاکری، ۱۴۰۰، ص ۴۱).

اما قانونگذار ایران در ماده ۸۸ قانون مجازات ۱۳۹۲ رویکرد متعادل تری اتخاذ نموده، سن ۹ تا ۱۵ سال را به صورت یکسان به عنوان سن مسئولیت کیفری دختران و پسران در جرائم تعزیری قرار داده و سال شمسی را جایگزین سال قمری نموده است. لذا در برخی موارد، ممکن است فردی به سن بلوغ شرعی رسیده باشد، اما مسئولیت کیفری متوجه آن نشود. برای مثال، اگر دختری در سن ۸ سال و نه ماه شمسی قرار داشته باشد، بالغ محسوب می شود، اما چون ۹ سال شمسی را تکمیل نکرده مسئولیت کیفری متوجه وی نمی شود (الهامی؛ یوسفلو؛ شفیع زاده، ۱۴۰۰، ص ۲۳۸). همچنین مطابق تبصره ۲ ماده فوق، در خصوص مرتکبان جرائم حدود و قصاص نیز سن مسئولیت کیفری یکسان بین دختران و پسران پیش بینی شده است. در واقع، قانونگذار ایران معیار دوگانه مسئولیت کیفری مبتنی بر تفکیک جنسیتی را کنار گذاشته و در مطابقت نسبی با اسناد بین المللی، معیار واحدی را برای مسئولیت کیفری دختران و پسران پذیرفته است.

۵. «مسئولیت کیفری تدریجی در حقوق افغانستان» به این مفهوم اشاره دارد که افراد بر اساس سن و رشد عقلی به تدریج از مسئولیت کامل کیفری برخوردار می شوند. طبق قانون جزای افغانستان (ماده ۹۵-۹۶ کود جزای ۱۳۹۶ هـ. ش اطفال زیر ۱۲ سال فاقد مسئولیت کیفری هستند، نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم، تحت نظام عدالت اطفال قرار می گیرند و مجازاتشان بیشتر اصلاح گرانه و تربیتی است، درحالی که افراد بالای ۱۸ سال مسئولیت کیفری کامل دارند و مشمول مجازات های قانونی می شوند. این رویکرد نشان دهنده توجه نظام حقوقی افغانستان به اصل تفکیک سنی و رشد تدریجی مسئولیت پذیری در قبال جرائم است.

اما در حقوق کیفری افغانستان، معیار دوگانه از ابتدا کم‌رنگ یا هیچ بوده است، زیرا مطابق فقه حنفی، بلوغ شرعی که در دختران و پسران تقریباً یکسان است، آغاز سن مسئولیت کیفری محسوب می‌شود. لذا قانون‌گذار افغانستان در خصوص یکسان‌انگاری سن بلوغ و مسئولیت کیفری دختران و پسران از نظر امام ابو محمد و ابویوسف و در خصوص تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری از نظر جمهور فقهای حنفی پیروی نموده است. از همین رو، ۱۲ سالگی را آغاز سن مسئولیت کیفری برای دختران و پسران تعیین کرده است و اتمام ۱۸ سالگی را پایان بلوغ و آغاز مسئولیت کیفری تام.

۲-۳. مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم مستوجب حد و تعزیر

مسئولیت کیفری نقصان یافته به حالتی اشاره دارد که جرم به طور کامل تحقق یافته و تمامی ارکان جرم و شرایط اعمال مسئولیت کیفری وجود دارد، اما به دلیل عوامل خاص، مجازات اصلی قابل اعمال نیست و به جای آن، مجازاتی سبک‌تر تعیین می‌شود. در این موارد، مجازات به طور کامل منتفی نمی‌شود، بلکه قانون‌گذار به صورت استثنایی و بر اساس دلایل مشخص، مجازات فرد را تخفیف می‌دهد (هادی پور؛ قاسمی؛ نصرتی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۷۸).

در ایران مسئولیت کیفری نقصان یافته به صورت نسبی در خصوص جرائم تعزیری پذیرفته شده بود. اما در خصوص جرائم حدی مقررات واضحی در این زمینه وجود نداشت. با تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲ ایران، مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم حدی و تعزیری پذیرفته شده است (صبوری پور؛ موسوی، ۱۴۰۳، ص ۹۹). تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این خصوص چنین بیان کرده است: «هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت، یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد».

هرچند در این تبصره در خصوص اطفال بین ۱۵ تا ۱۸ سال مقررات واضح وجود ندارد، اما مطابق ماده ۹۱ قانون مذکور، در صورتی که فرد فاقد درک و شعور لازم باشد، امکان این که مجازات حدی آن به مجازات تعزیری تبدیل شود فراهم است. از این رو می‌توان گفت قانون‌گذار ایران نه به صورت صریح، بلکه به طور ضمنی، مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم حدی را نیز پذیرفته است (الهامی؛ یوسفلو؛ شفیع‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۳۱). لذا برخی بر این باورند

که قرار گرفتن سن رشد در کنار سایر شرایط اجرای حدود و قصاص، به معنای پذیرش نسبی و غیرمستقیم مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم حدی است (گنجی، ۱۳۹۹، ص ۶۵).^۶ منظور از ادراک در حقوق کیفری، قدرت و توانایی تشخیص و تفکیک افعال و تبعات اخلاقی و اجتماعی آن‌هاست که معمولاً با تکامل قوه عقل تحقق پیدا می‌کند (میرسعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳). بنابراین، صرف رسیدن به بلوغ شرعی، برای تحمیل مجازات حدی و قصاص بر کودکان زیر ۱۸ سال کفایت نمی‌کند.

در افغانستان تا قبل از حاکمیت امارت اسلامی طالبان، نظام دوگانه فقهی - حقوقی حاکم بود و اجرای حدود و قصاص مطابق احکام فقه حنفی انجام می‌شد. لذا قانون‌گذار افغانستان مسئولیت کیفری نقصان یافته را در خصوص افراد بین ۱۳ تا ۱۵ سال در جرائم تعزیری پذیرفته بود، به‌گونه‌ای که در این صورت، اطفال به حداکثر، نصف مجازات بزرگسالان محکوم می‌شدند.^۷ همچنین بر اساس ماده ۹۳ قانون مجازات ۱۳۵۵ ش، مجازات اعدام تعزیری بر شخصی که بین ۱۸ تا ۲۰ سال باشد، تطبیق نمی‌شد. ولی فرمان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک ۱۳۷۰ ش، ماده فوق را لغو و سن مجازات اعدام را به ۱۸ سال کاهش داد (نظری توکلی؛ مصلح، ۱۳۹۷، ص ۱۸۰). اما بعداً با سقوط حکومت حزب دموکراتیک خلق و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۰، بار دیگر قانون جزای عمومی ۱۳۵۵ به عنوان قانون جزایی پذیرفته شد. با تصویب کد جزای افغانستان مفاد ماده ۹۳ قانون مذکور در ماده ۱۱۴ قانون جدید عیناً ذکر شده است.^۸ اما در جرائم حدی، چون مطابق فقه حنفی مسئولیت کیفری نقصان یافته پذیرفته نیست و قانون‌گذار نیز رسیدگی به این جرائم را به فقه احاله داده بود، بحث مسئولیت کیفری نقصان یافته نیز منتفی بود (پوپل، ۱۳۹۹، ص ۳۲۴). در نظام کنونی افغانستان که قوانین وضعی قبلی ملغی اعلام شده و فقه حنفی جایگزین آن‌ها گردیده است، مسئولیت کیفری نقصان یافته نه تنها در جرائم حدی پذیرفته نیست، بلکه در جرائم تعزیری نیز به رسمیت شناخته نشده است. این مسئله می‌تواند به مثابه عقب‌گرد در حقوق کیفری افغانستان تلقی شود.

۶. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران: «در جرائم موجب حد یا قصاص، هر گاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد، با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند».

۷. ماده ۲۴ نظام‌نامه جزای عمومی ۱۳۰۲: «در حین وقوع جرم بچه‌هایی که سال سیزدهم عمر خود را پوره نموده و سال پانزدهم را اكمال ننموده باشند، جزایشان به درجه نصف مقداری که در نظام‌نامه مصرح گردیده است، حکم می‌شود. اگر جرم مستلزم اعدام باشند، به عوض آن، ده سال حبس می‌شود و از این چنین بچه‌ها جزای نقدی هم مناصفه گرفته می‌شود».

۸. «شخص که بیست سالگی را تکمیل نکرده باشد، به اعدام محکوم نمی‌گردد».

نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری به مفهوم دارا بودن اهلیت تحمل کیفر، یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق کیفری محسوب می‌شود. پس از طرح مباحث انتقادی جرم‌شناختی و روان‌شناختی، بسیاری از مفاهیم و مسائل حقوق کیفری دچار تحول و دگرگونی گردید که مسئولیت کیفری نیز از آن جمله محسوب می‌شود. با توجه به عنوان مقاله و موضوع مورد پژوهش، برآیند و نتیجه پژوهش حاضر به این قرار است:

معیارهای تعیین مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، به ویژه سن مسئولیت کیفری، در حقوق کیفری ایران و افغانستان دچار قبض و بسط‌های متعدد شده است. این قبض و بسط‌ها متأثر از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه‌ای متفاوت بوده است. ولی متغیر اصلی در این خصوص، گفتمان کیفری شریعت و تأثیر آن بر مؤلفه‌های مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران و افغانستان بوده است. با توسعه و گسترش قلمرو قواعد فقهی در حقوق کیفری ایران و افغانستان، سن مسئولیت نیز دچار دگرگونی شده است، با این تفاوت که در قوانین کیفری اوایل انقلاب اسلامی ایران، از یک سو، بین بلوغ شرعی و مسئولیت کیفری تفاوتی وجود نداشت، بلکه بلوغ شرعی معیار سن مسئولیت کیفری قلمداد شده بود. از سوی دیگر، نسبت به سن مسئولیت کیفری دختران و پسران سیاست کیفری افتراقی و رویکرد دوگانه حاکم بود. اما در قانون مجازات ۱۳۹۲ نه تنها بین مسئولیت کیفری و سن بلوغ شرعی تفکیک صورت گرفت، بلکه در خصوص اطفال ۹ تا ۱۵ سال، سن مسئولیت کیفری یکسان پیش‌بینی شده است. ولی در حقوق کیفری افغانستان به لحاظ سن مسئولیت کیفری، تفاوتی میان دختران و پسران لحاظ نشده است. در واقع، یکی از وجوه افتراق حقوق کیفری ایران و افغانستان، تفکیک میان سن مسئولیت کیفری دختران و پسران است که قانون‌گذار ایران با توجه به معیار قرار دادن بلوغ شرعی نسبت به سن مسئولیت کیفری دختران و پسران، رویکرد دوگانه اتخاذ نموده، درحالی‌که قانون‌گذار افغانستان متأثر از کنوانسیون‌های بین‌المللی و در برخی آرای فقهای حنفی، بین سن مسئولیت کیفری دختران و پسران تفاوت قائل نشده است.

همچنین قانون‌گذار ایران در گذشته مسئولیت کیفری نقصان‌یافته را صرفاً در جرائم تعزیری پذیرفته بود و در خصوص جرائم مستوجب حد، مسئولیت کیفری نقصان‌یافته را به رسمیت نشناخته بود. اما در تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری

نقصان یافته در جرائم موجب حد و قصاص نیز به صورت ضمنی پذیرفته شده است؛^۹ زیرا بر اساس این تبصره، مجازات حدود و قصاص به مجازات تعزیری تبدیل می‌شود که در واقع، به نوعی ارفاق در حد مرتکب است. اما قانون‌گذار افغانستان با اتخاذ سیاست کیفری دوگانه بین جرائم حدی و تعزیری، مسئولیت کیفری نقصان یافته را صرفاً در جرائم تعزیری پذیرفته و در خصوص جرائم حدی، فقه حنفی را ملاک و معیار قرار داده بود. با روی کار آمدن گروه طالبان و ملغی اعلام شدن بسیاری از قوانین و مقررات قبلی، نظام حقوقی افغانستان فرو پاشید و تاکنون رویکرد یکسانی در زمینه حقوق کیفری به میان نیامده تا بتوان بر اساس آن، پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت کیفری نقصان یافته را مورد ارزیابی قرار داد. اما با توجه به رویه قضایی موجود و سیاست‌های کلی طالبان در خصوص قوانین وضعی و تأکید بر اجرای فتاوی فقهی، می‌توان گفت مسئولیت کیفری نقصان یافته در هیچ‌کدام از جرائم حدی و تعزیری مورد پذیرش قرار نگرفته است.

بنابراین، با توجه به مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی، اهمیت و توسعه یافتن ارزش‌های حقوق بشری، شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی، اقتضا دارد تا مسئولیت کیفری نقصان یافته در تمام جرائم از جمله حدود و قصاص، در افغانستان نیز مورد پذیرش قرار بگیرد، چنان‌که در جرائم تعزیری در هر دو نظام کیفری و در جرائم حدی تنها در حقوق کیفری ایران، مسئولیت کیفری نقصان یافته به صورت ضمنی پذیرفته شده است.

۹. تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران: «هر گاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت، یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد».

فهرست منابع

۱. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۴ق). الکافی فی فقه الامام احمد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابوذری، مهنوش. (۱۳۹۸ش). نگرش فازی در حوزه سن مسئولیت کیفری. مجله حقوقی دادگستری، ۸۳(۱۰۸)، ۲۳-۱. <https://doi.org/10.22106/ijl.2019.104478.2626>
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۳ش). حقوق جزای عمومی، (جلد دوم، چاپ ۷۴). تهران: میزان.
۴. الهامی، رضا؛ یوسفلو، بهروز؛ شفیعی‌زاده، اکبر. (۱۴۰۰ش). بررسی ابعاد حقوقی مسئولیت کیفری اطفال با رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. مطالعات فقه اسلامی و مبنای حقوق، ۱۱(۴۳)، ۲۹-۵۳. <https://doi.org/10.22034/fvh.2021.10813.1368>
۵. امیریان فارسانی، امین. (۱۴۰۲ش). بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال در نظام حقوقی ایران و آمریکا. تمدن حقوقی، ۱۵۶(۱۵)، ۱۰۷-۱۱۶. <https://doi.org/10.22034/c.2023.390628.1322>
۶. بازوند، وحید؛ نورمحمدی، حسین. (۱۴۰۰ش). مسئولیت کیفری در مفهوم انتزاعی و گستره حاکمیت آن بر رفتار شخص حقوقی (از تحلیل نظری تا واکنش قضایی). پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(۴۷)، ۵۵-۸۸. <https://doi.org/10.48300/ijr.2021.140164>
۷. بغدادی، ابی‌محمد قاضی عبدالوهاب. (۲۰۱۵م). شرح التلقین فی الفقه المالکی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. پوپل، محمد. (۱۳۹۹ش). مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان (مطابق کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران). جغرافیا و روابط انسانی، ۳(۲)، ۳۱۸-۳۲۹. <https://doi.org/10.22034/gahr.2020.251870.1453>
۹. پیوندی، غلامرضا. (۱۳۸۹ش). مطالعه تطبیقی معیار کودکی. حقوق اسلامی، ۷(۲۷)، ۱۳۹-۱۶۷.
۱۰. تدین، عباس. (۱۳۸۸ش). سن مسئولیت کیفری اطفال و واکنش‌های اجتماعی در برابر بزهکاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران، در: مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران.
۱۱. جعفری، فریدون. (۱۴۰۱ش). جایگاه رکن روانی و مسئولیت کیفری در تعریف جرم. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۹(۲۴)، ۳۳-۶۲. <https://doi.org/10.30513/cld.2023.4840.1780>
۱۲. حسنی، محمد. (۱۴۰۰ش). مسئولیت کیفری مطلق در جرایم یقه سفیدان. حقوق اسلامی، ۱۸(۶۸)، ۶۱-۹۰.
۱۳. حسنی، محمد حسن؛ افراسیابی، محمد مهدی. (۱۳۹۹ش). مقارنه تحولات ناظر بر مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و فقه جزایی اسلام. مطالعات فقه اسلامی و مبنای حقوق، ۱۴(۴۲)، ۱۹۱-۲۱۲. <https://doi.org/10.22034/fvh.2021.7313.1163>
۱۴. حیدری، مسعود. (۱۳۹۵ش). بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۱۱)، ۹۱-۱۱۴. <https://doi.org/10.22091/csiw.2017.818>

۱۵. رخشانی فر، مهرعلی؛ دلاور، غلامحسن؛ سالارزایی، امیرحمزه. (۱۳۹۸ش). بررسی حداقل و حداکثر سن بلوغ از نظر فقهای امامیه - حنفی و علم پزشکی، مجله دانشکده پزشکی، ۶۲ (ویژه روان شناسی)، ۴۶۸-۴۸۲. <https://doi.org/10.22038/mjms.2020.19840>
۱۶. زراعت، عباس. (۱۳۹۴ش). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. تهران: ققنوس.
۱۷. ساریخانی، عادل؛ عطازاده، سعید. (۱۳۹۲ش). معیار سن کیفری دختران در فقه و حقوق موضوعه. مطالعات حقوق تطبیقی، ۴(۲)، ۵۷-۷۹. <https://doi.org/10.22059/jcl.2014.36313>
۱۸. سبزواری، عبدالاعلی. (بی تا). جامع الأحکام الشرعية (سبزواری). قم: مؤسسه المنار.
۱۹. سغدی، علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). النتف فی الفتاوی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۰. شاملو، باقر؛ حسینی، مهدی. (۱۴۰۱ش). انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه. پژوهش نامه فقه اجتماعی، ۱۱(۱)، ۱۳۳-۱۴۶. <https://doi.org/10.30497/irj.2022.76398>
۲۱. شاملو، باقر. (۱۳۹۰ش). عدالت کیفری و اطفال (شخصیت طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخها). تهران: جنگل.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه. قم: داوری.
۲۳. شیرازی، میثاق؛ شاکری، ابوالحسن. (۱۴۰۰ش). مسئولیت دختر نوجوان در ارتکاب جرائم تعزیری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران. فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، ۲(۶)، ۲۱-۳۳. <https://doi.org/10.22034/lth.2021.248571>
۲۴. صبوری پور، مهدی؛ موسوی، سید پوریا. (۱۴۰۳ش). حقوق کیفری عمومی اطفال و نوجوانان. تهران: میزان.
۲۵. صدری، سید محمد؛ امیرپور، حیدر؛ باقری، احمد؛ بزرگمهر، عیسی. (۱۳۹۸ش). تحولات و رویکرد قضایی سن مسئولیت کیفری در کشورهای مختلف جهان. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۰(۱)، ۲۱۷-۲۳۷. doi.org/10.22059/jcl.2018.260048.633686
۲۶. طهماسبی، جواد. (۱۳۸۸ش). تحولات تقنینی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان، در: مجموعه مقاله های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان. تهران.
۲۷. عباسی سرمدی، مهدی؛ زنگی اهرمی، عهدیه. (۱۳۹۴ش). بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین المللی. فقه و حقوق خانواده، ۲(۶۳)، ۲۳-۴۱. <https://doi.org/10.30497/ij.2016.56648>
۲۸. علامه، غلام حیدر. (۱۳۹۶ش). حقوق جزای عمومی افغانستان. کابل: دانشگاه ابن سینا.
۲۹. علیش، محمد. (۱۴۰۹ق). شرح منح الجلیل علی مختصر العلامة خلیل. بیروت: دار الفکر.
۳۰. عمرانی، یحیی. (۱۴۲۱ق). البیان فی مذهب الامام الشافعی. جده: دار المنهاج.
۳۱. غلامی، علی. (۱۳۹۱ش). عوامل مانع مسئولیت کیفری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۲. فلاح خاریکی، امین؛ حاجی تبار فیروزجانی، حسن. (۱۴۰۲ش). جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۹(۷۱)، ۱۴۰-۱۶۵. [org/10.22034/ijrj.2023.702563](https://doi.org/10.22034/ijrj.2023.702563)

۳۳. کلانتری، کیومرث؛ غفاری چراتی، صالح؛ رادمان، امین. (۱۳۹۸ش). بررسی فقهی- حقوقی سن مسئولیت کیفری اطفال با تأملی در اسناد بین‌المللی. پژوهش‌نامه میان‌رشته فقهی، ۷(۱۴)، ۱۶۱-۱۸۲. <https://doi.org/10.30497/fiqh.2019.75384>
۳۴. گنجی، مریم. (۱۳۹۹ش). تحلیل جزایی ارکان و شرایط سن مسئولیت کیفری. تحقیقات حقوق قضایی، (۱۱)، ۵۵-۷۴.
۳۵. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. تهران: استقلال.
۳۶. محقق هرجقان، علیرضا. (۱۳۹۰ش). سن مسئولیت کیفری از منظر جرم‌شناسی. تهران: دادگستر.
۳۷. مرغینانی، علی بن ابی‌بکر. (بی‌تا). الهدایة فی شرح بدایة المبتدی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۲ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: جامعه مدرسین.
۳۹. مهرپور محمدآبادی، حسن. (۱۳۹۲ش). مطالعه برخی نوآوری‌های قانون‌گذار در لایحه مجازات اسلامی در دست تصویب، در: دائرة المعارف علوم جنایی، (ج ۲)، تهران: میزان.
۴۰. پورمحمی آبادی، حسین. (۱۳۹۵ش). سیاست کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و بزه‌کار، تهران: میزان.
۴۱. موسوی غروی، سید محمدجواد. (۱۳۷۳ش). مبانی حقوق در اسلام، به‌ضمیمه رساله بلوغ. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۴۲. مهرا، نسربین؛ نوروزی، بهروز. (۱۳۹۸ش). سیاست‌گذاری ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان، با نگرشی بر نظرات امام خمینی و دیگر فقها. پژوهش‌نامه متین، ۲۱(۸۴)، ۹۱-۱۲۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24236462.1398.21.84.5.1>
۴۳. میرسعیدی، منصور. (۱۳۸۲ش). مسئولیت کیفری. تهران: میزان.
۴۴. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۲ش). جرائم علیه اموال و مالکیت. تهران: میزان.
۴۵. نبوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵ش). حقوق جزای عمومی افغانستان. کابل: نشر واژه.
۴۶. نجفی، راضیه؛ یحیی‌پور، محدثه. (۱۳۹۷ش). بررسی مسئولیت کیفری اطفال و مجانین در فقه امامیه. قانون‌یار، ۲(۶)، ۲۹۷-۳۲۳.
۴۷. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۸. نظری توکلی، سعید؛ مصلح، محمد صالح. (۱۳۹۷ش). مرتبه‌پذیری مفهوم بلوغ و گونه‌های مسئولیت ناشی از آن در فقه مذاهب اسلامی. فقه مقارن، ۶(۱۱)، ۱۷۵-۱۹۳.
۴۹. نظری، حسین؛ میرزاجانی، حمیدرضا؛ احمدی، زهرا. (۱۴۰۲ش). تأثیر مسئولیت کیفری محض (نظامیان) بر سیاست تسامح صفر (مورد مطالعه: استان خراسان شمالی). نظارت و بازرسی، ۱۷(۶۵)، ۱۶۱-۱۸۶. <https://doi.org/10.22034/si.2023.101847>
۵۰. نقی‌زاده باقی، المیرا؛ آشوری، محمد؛ مهرا، نسربین؛ شاملو، باقر. (۱۴۰۱ش). تحولات سیاست جنایی

تقنینی ایران در قلمرو مسئولیت کیفری نسبی نوجوانان. تعالی حقوق، ۱۳(۳)، <https://doi.org/10.22034/thdad.2022.538965.1956>

۵۱. هادی پور، کیانوش؛ قاسمی، مسعود؛ نصرتی، یزدان. (۱۳۹۹ش). مسئولیت کیفری نقصان یافته جرائم اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی ایران و نظام حقوقی انگلستان. *جمعه‌شناسی سبلسی ایران*، ۱۷۷۷(۳): ۱۷۹۰-۱۷۹۰
<https://doi.org/10.30510/psi.2022.350675.3694>

۵۲. وطن‌یار، شمس‌الدین؛ واعظی، محمدناصر. (۱۴۰۱ش). حمایت کیفری از اطفال در فقه حنفی، امامی و قوانین جزایی افغانستان. *مطالعات حقوق اسلامی*، ۸(۱۷)، ۴۳-۶۰.
http://ls.miu.edu.af/arti-cle_100284_5c3df7bf6b8cd180f24d533cb3d52c4f.pdf

قوانین

۵۳. قانون تشکیل دادگاه اطفال، مصوب ۱۳۳۸ش.
۵۴. قانون جزای عمومی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵ش.
۵۵. قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱ش.
۵۶. قانون رسیدگی به تخلفان اطفال، مصوب ۱۳۸۳ش.
۵۷. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲ش.
۵۸. قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴ش.
۵۹. قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۵۲ش.
۶۰. کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶ش.